

علم أصول الفقه

٧٣

٩٣-١٢-٢٥ ظهور

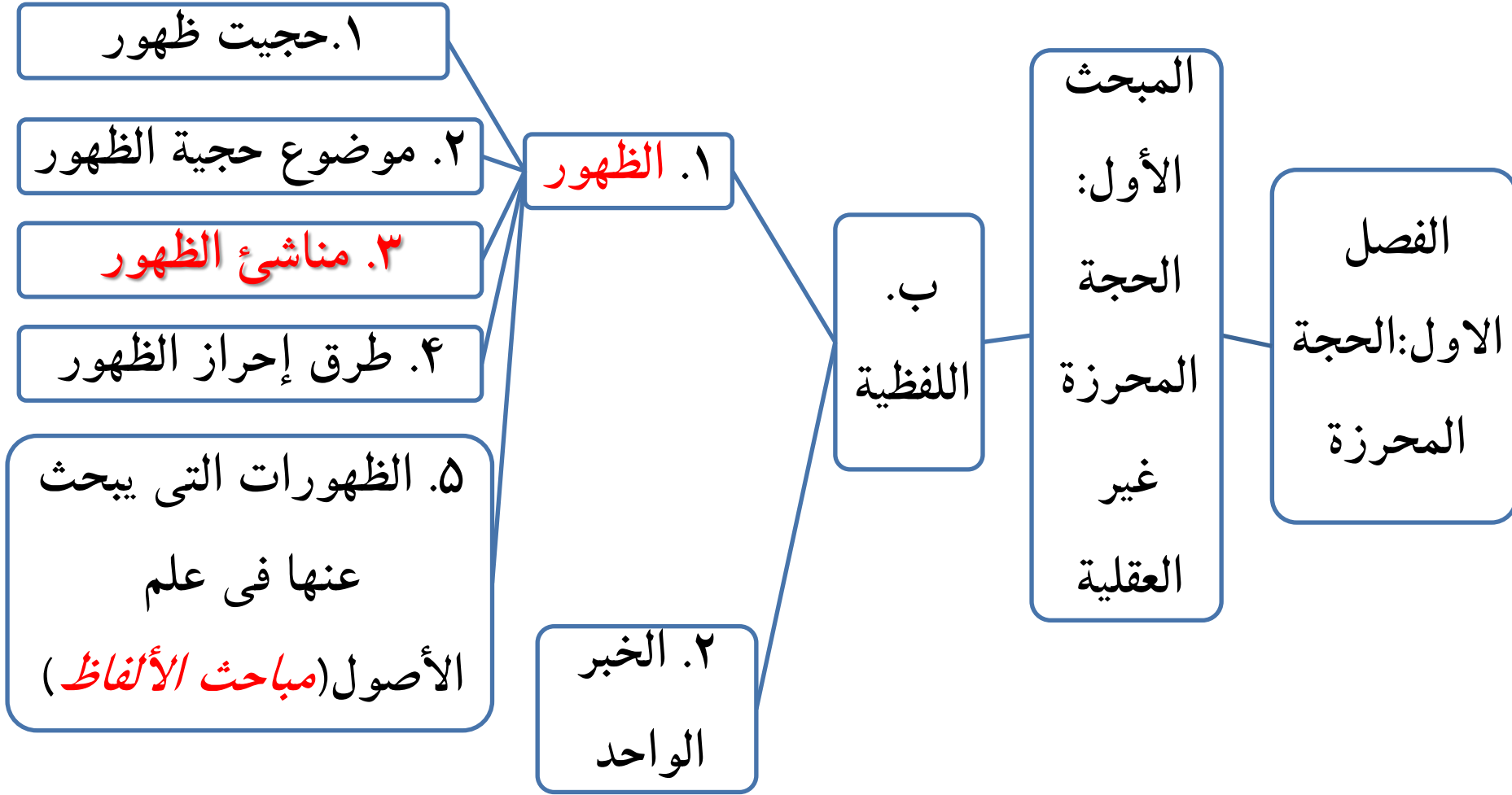
دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

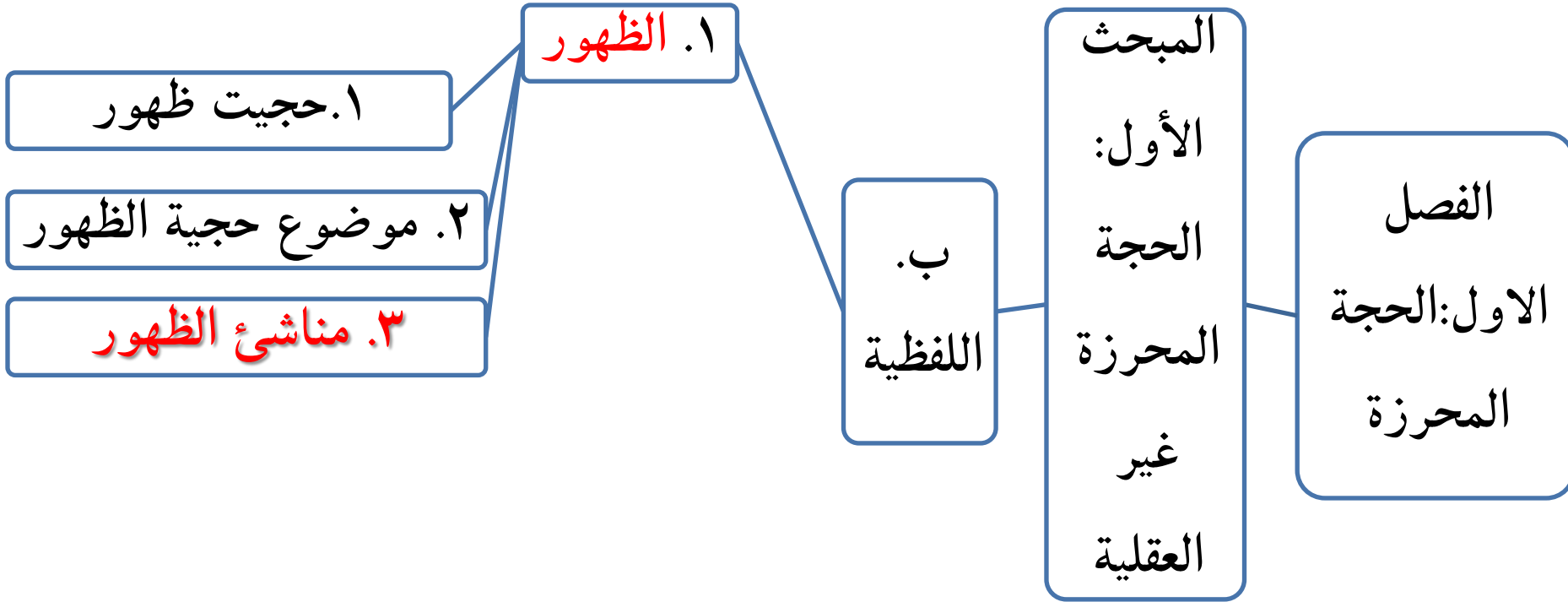
إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ

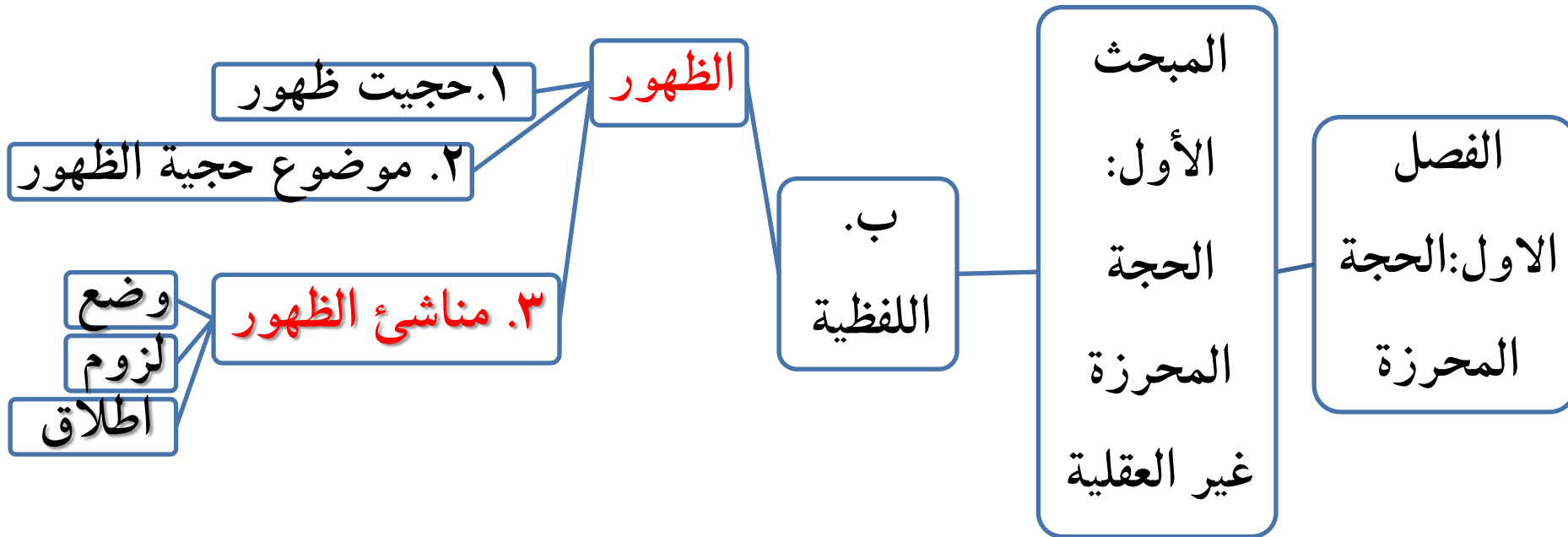
- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
- ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ (١)
- مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ (٢)
- وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ (٣)
- وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ (٤)

إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ

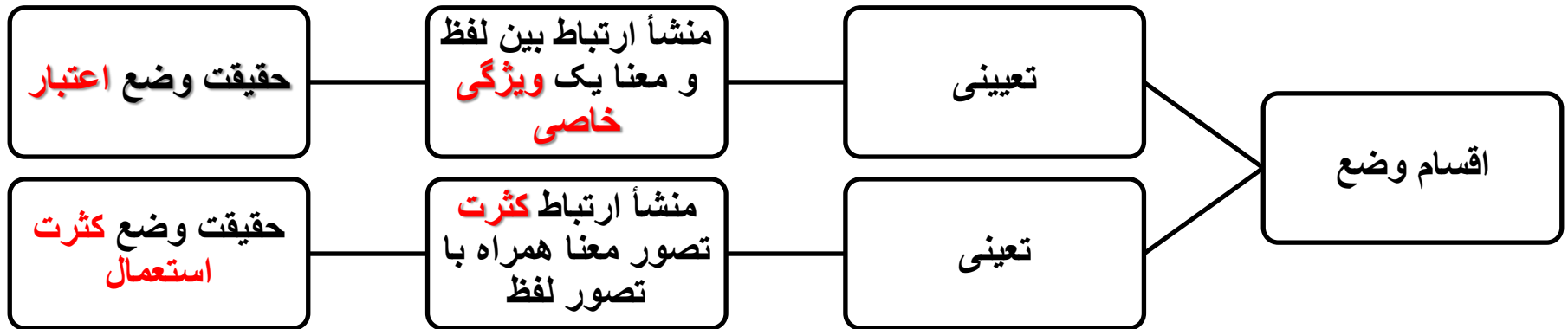
- فَسْتَبْصِرْ وَ يُبْصِرُونَ (٥)
- بِأَيِّكُمْ الْمَفْتُونُ (٦)
- إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (٧)
- فَلَا تَطْعِ الْمُكَذِّبِينَ (٨)
- وَدُّوا لَوْ تَدَّهِنُ فَيُدَّهِنُونَ (٩)

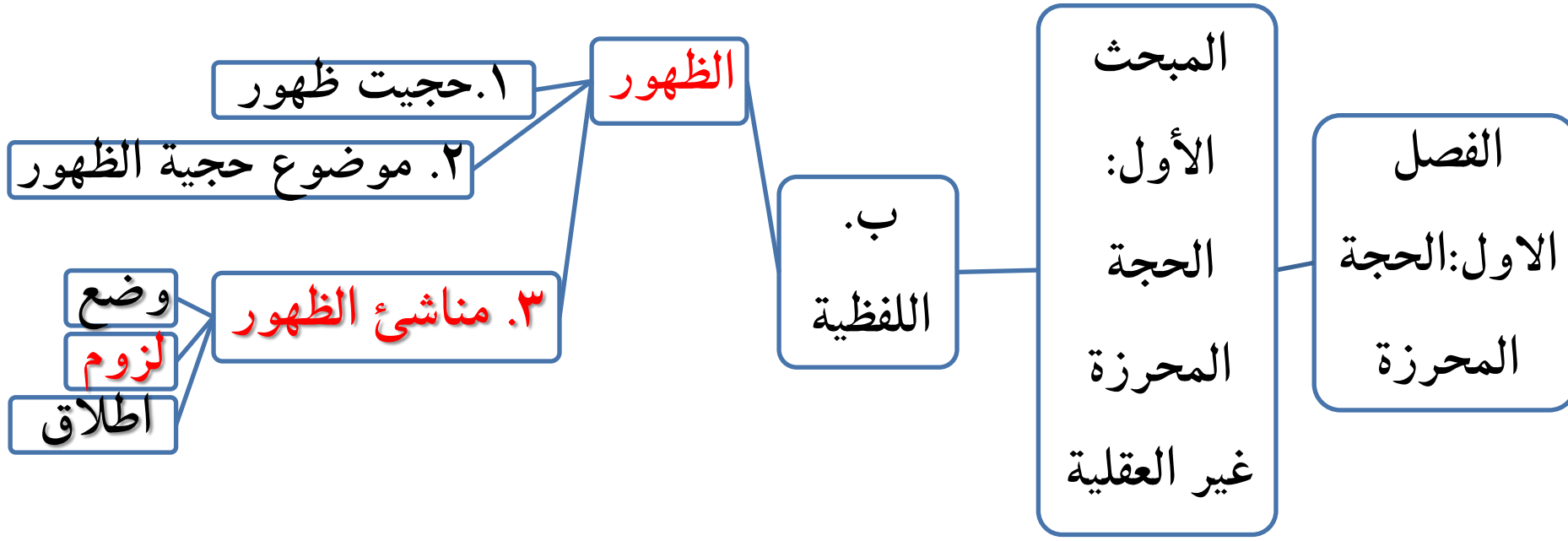




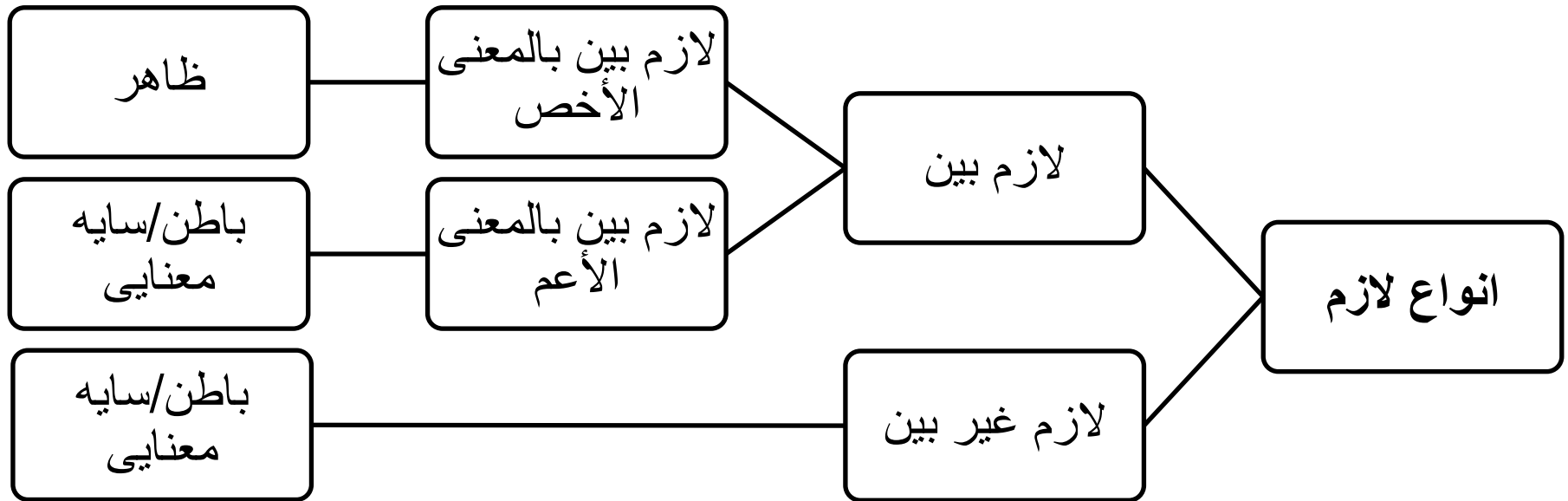


وضع یکی از مناشیء ظهور





لزوم یکی از مناشیء ظهور



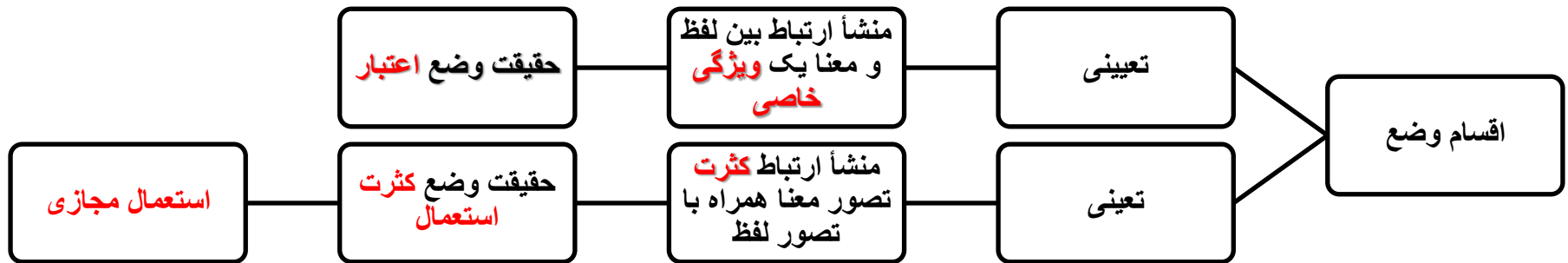
استعمال
مجازی

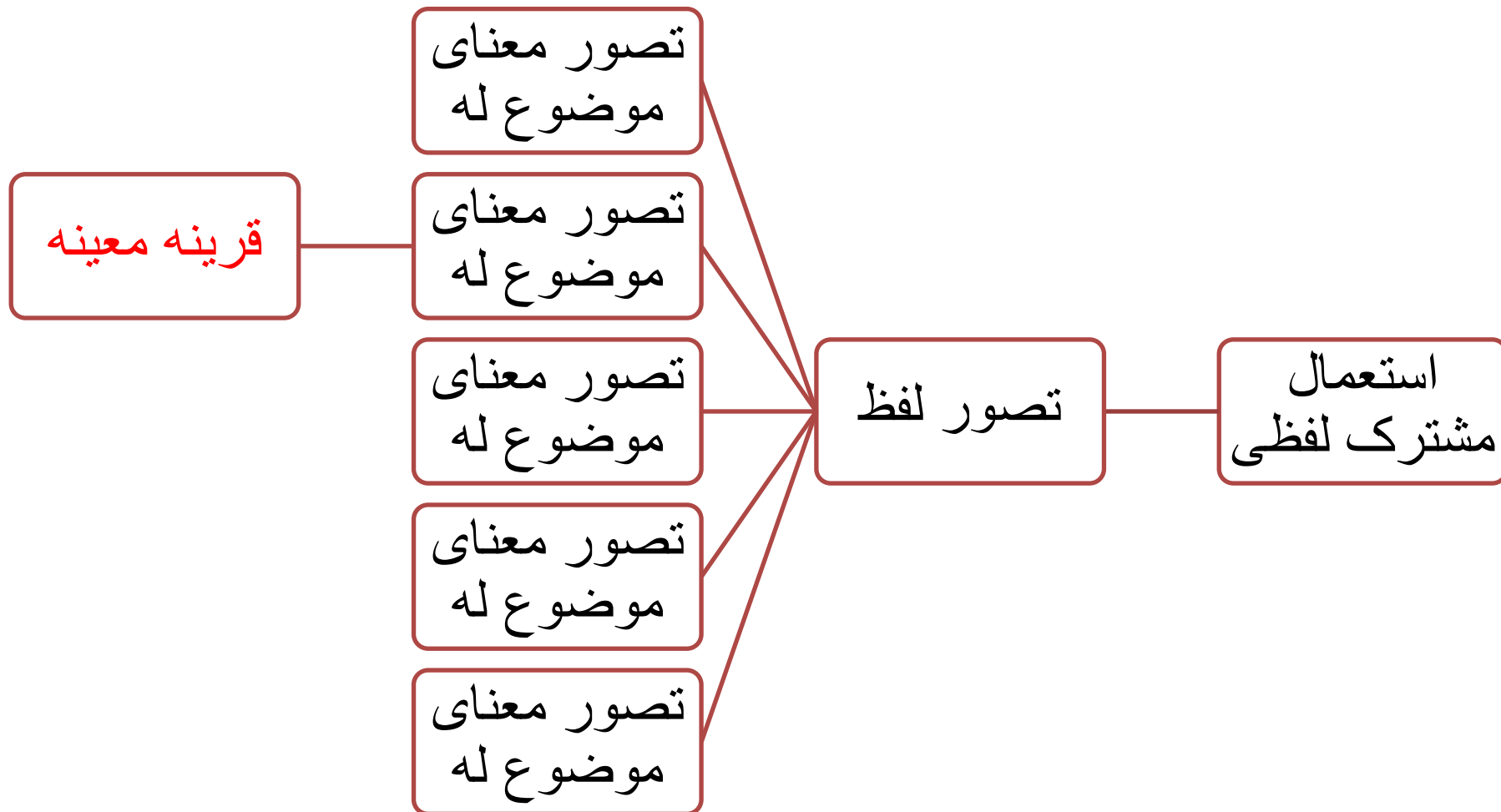
تصور لفظ

تصور معنای
موضوع له

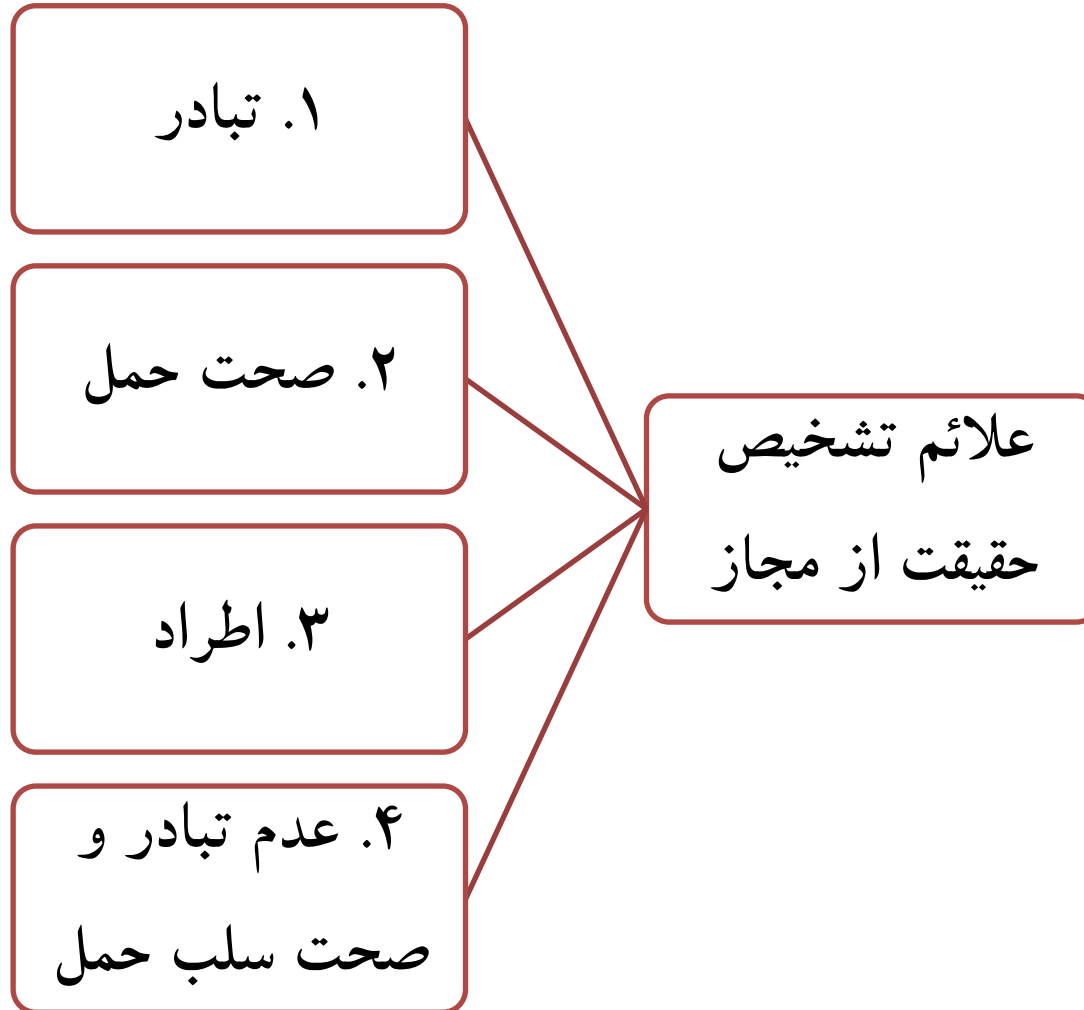
تصور لازم بین
بالمعنى الأخص
معنای موضوع له
قرینه صارفه

وضع یکی از مناشیء ظهور





علائم تشخیص حقیقت از مجاز



تبادر

تصور لفظ

تصور
معنای
موضوع له

تصور لازم بین
بالمعنى الأخص
معنای
موضوع له

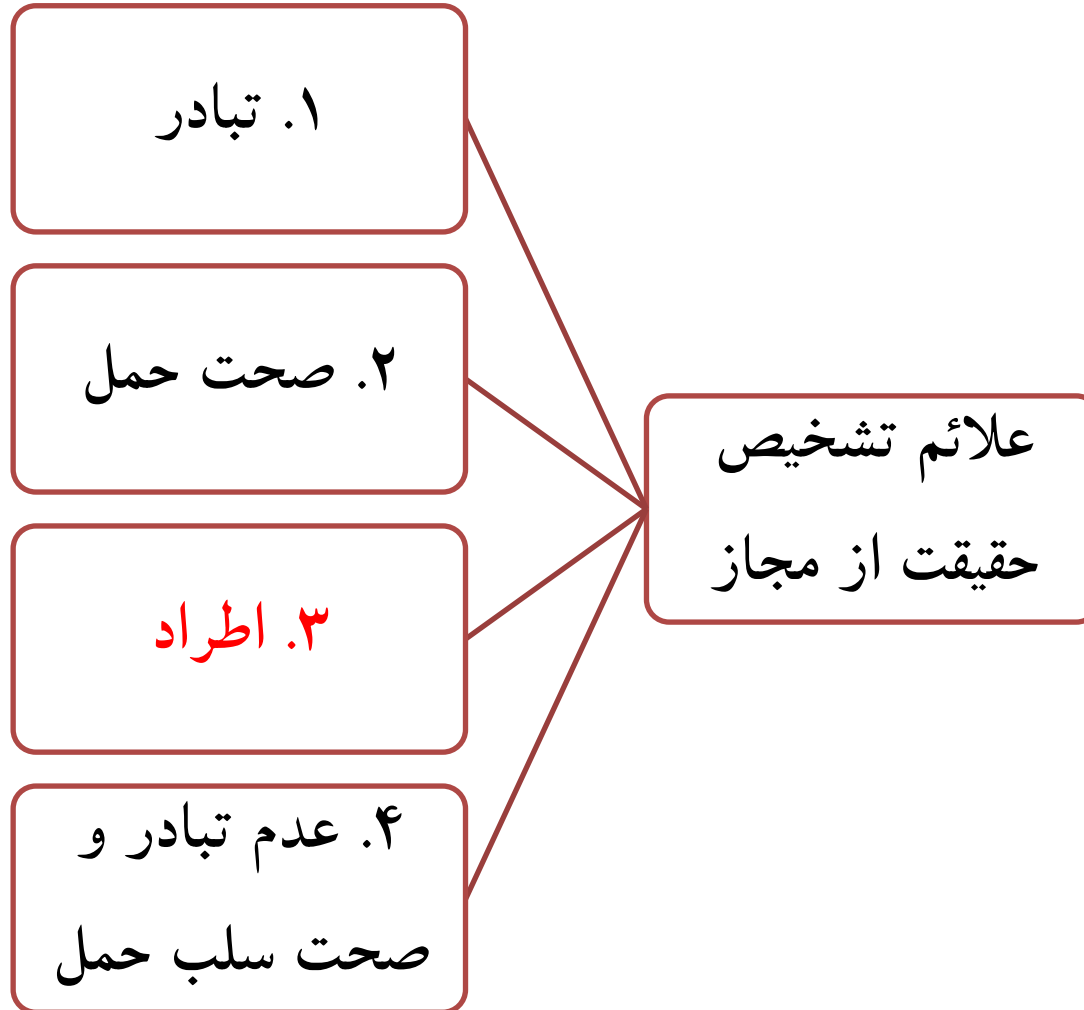
علائم تشخیص حقیقت از مجاز

لفظ با معنای ارتکازی خود
موضوع قضیه منطقی و
آن معنای محتمل محمول

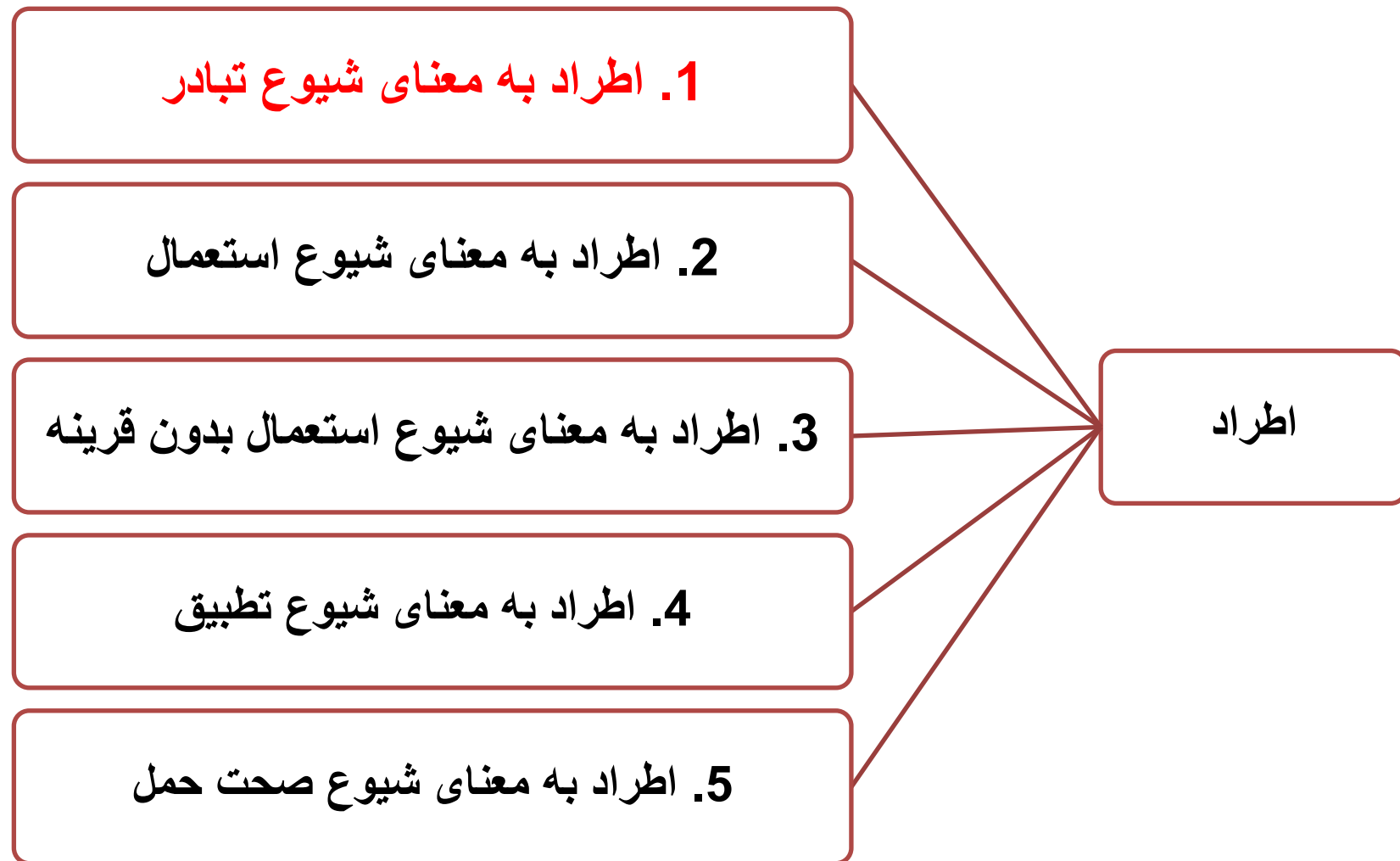
معنای محتمل، موضوع و
لفظ با معنای ارتکازی خود
محمول

صحت حمل

علائم تشخیص حقیقت از مجاز



علائم تشخیص حقیقت از مجاز



علائم تشخیص حقیقت از مجاز

تبادر به روش
أبجکتیو

1. اطراد به معنای شیوع تبادر

2. اطراد به معنای شیوع استعمال

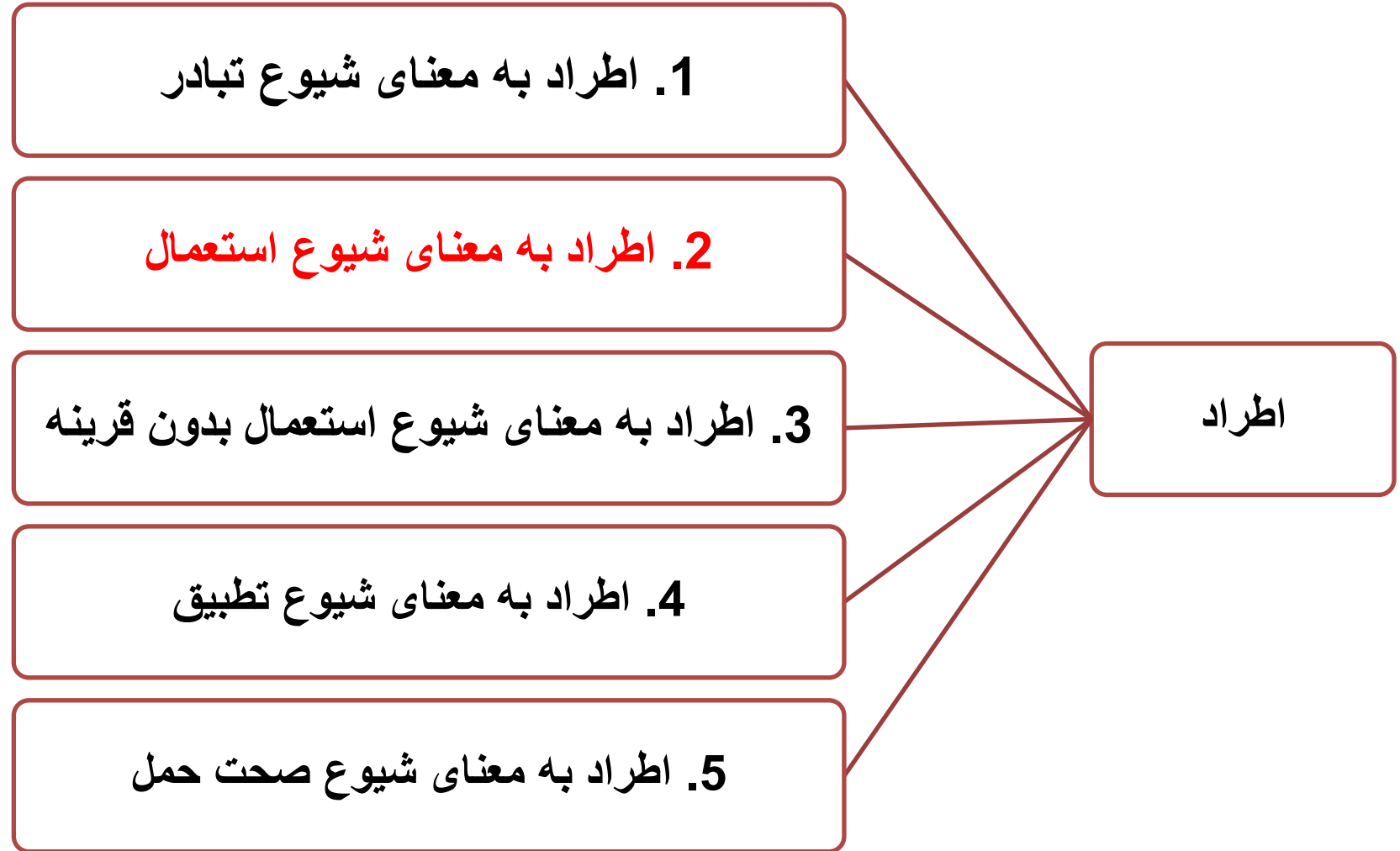
3. اطراد به معنای شیوع استعمال بدون قرینه

4. اطراد به معنای شیوع تطبیق

5. اطراد به معنای شیوع صحت حمل

اطراد

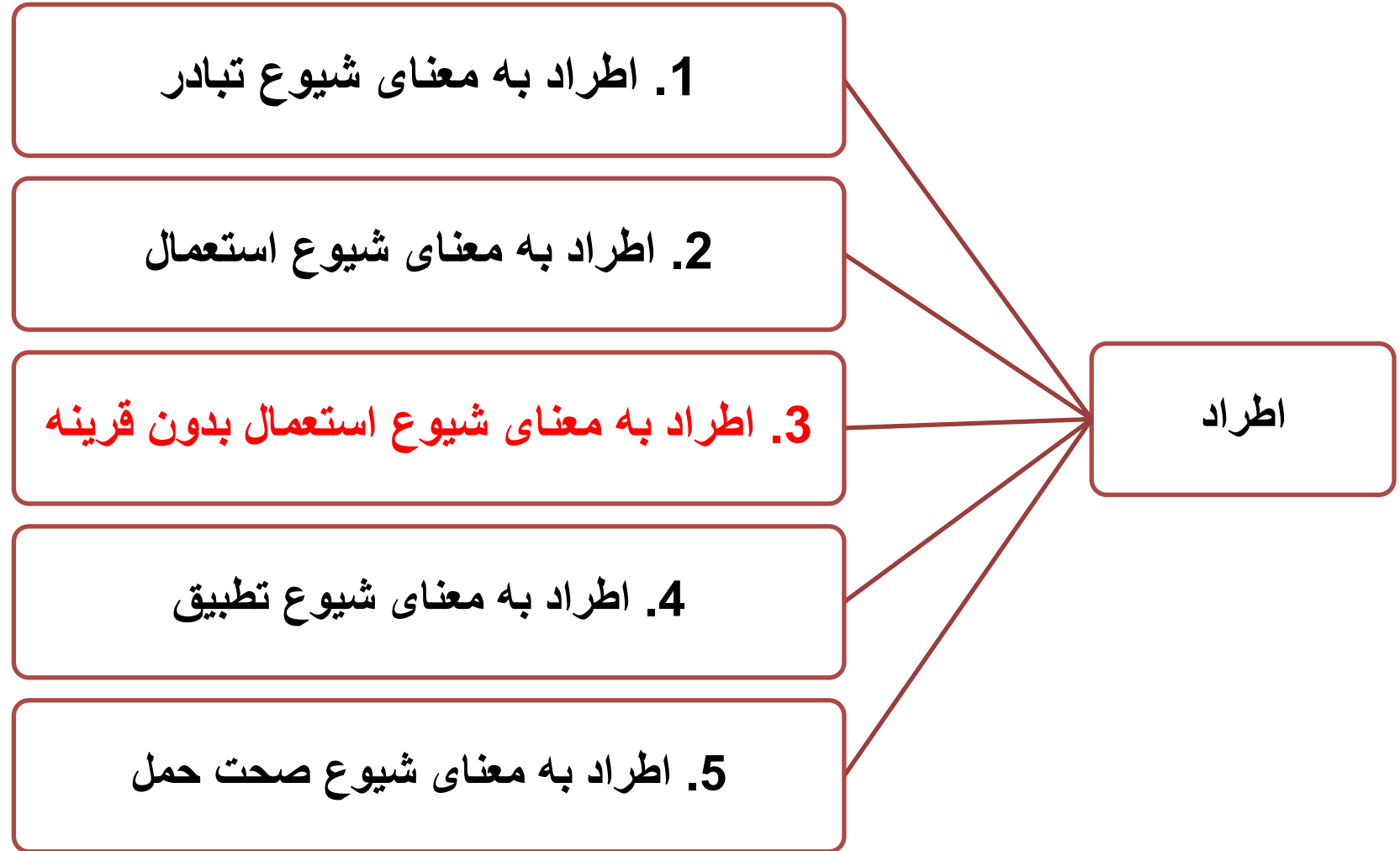
علائم تشخیص حقیقت از مجاز



علائم تشخیص حقیقت از مجاز



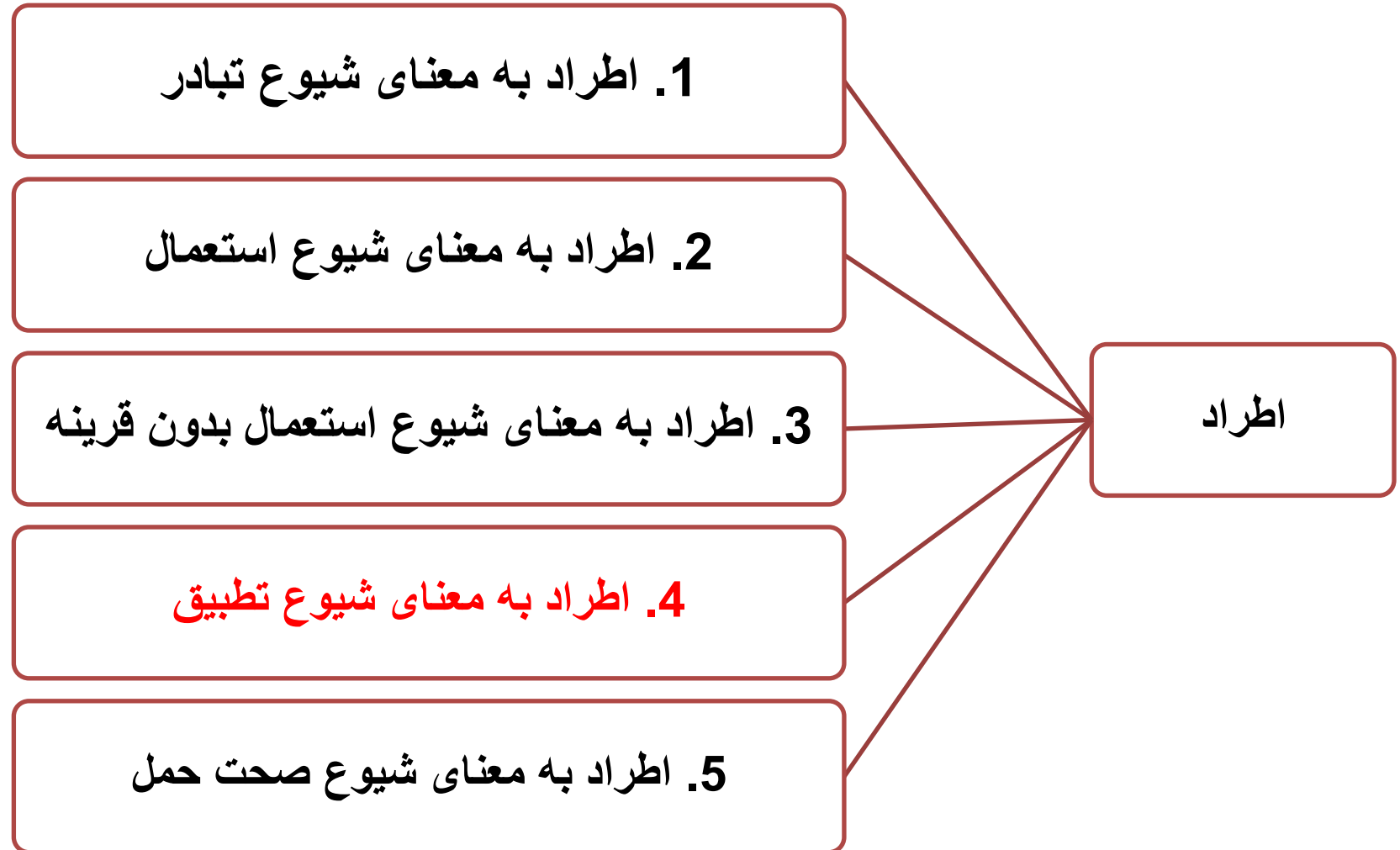
علائم تشخیص حقیقت از مجاز



علائم تشخیص حقیقت از مجاز



علائم تشخیص حقیقت از مجاز



علائم تشخیص حقیقت از مجاز

- ۴. اطراد به معنای شیوع تطبیق
- یعنی یک لفظ به لحاظ یک حیثیتی در فردی از معنا به کثرت به کار رود؛ مثلاً می بینیم عرب زبان ها لفظ را بر این حیوان درنده از آن جهت که درنده است، اطلاق می کنند و بعد می بینیم که این اطلاق کثرت دارد؛ یعنی در سایر موارد بر مصادیق دیگر این حیوان همین لفظ را از همین حیث اطلاق می کنند. نتیجه می گیریم که پس لفظ برای حیوان مفترس وضع شده است.

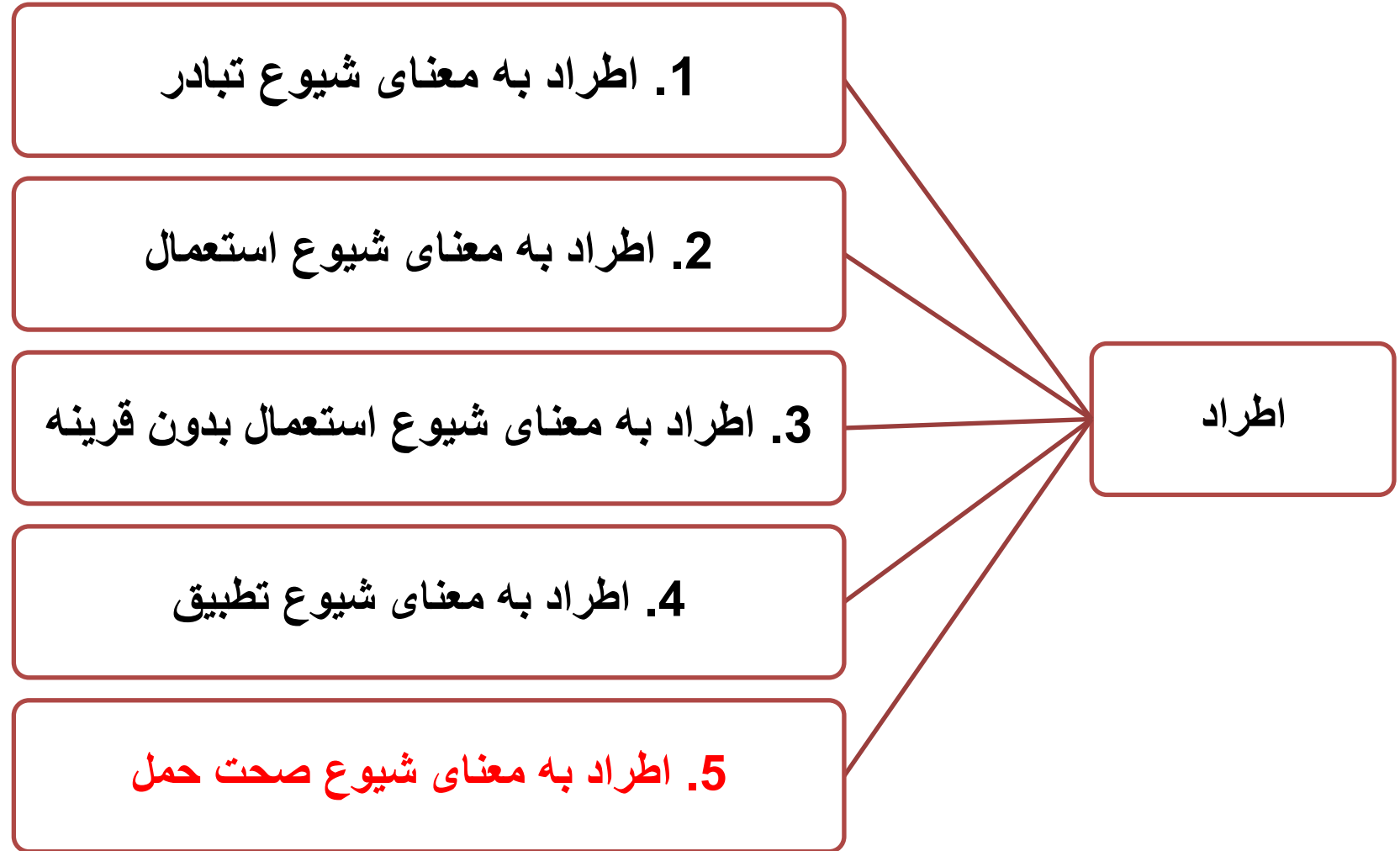
علائم تشخیص حقیقت از مجاز

- اشکال آخوند بر معنای چهارم
- گفتند وقتی شما حیثیت را واحد در نظر گرفتید، علامیت از بین می‌رود؛ چون لفظ از حیث شجاعت نیز بر هر فردی از افراد شجاع قابل تطبیق است.
- بنابراین در اینجا نیز شما اطراد تطبیق به لحاظ یک حیثیت واحد دارید بدون اینکه این استعمال در معنای حقیقی باشد.

علائم تشخیص حقیقت از مجاز

- بنابراین **پس** نمی‌توانید با اطراد تطبیق معنای حقیقی را کشف کنید، بلکه اگر حیثیت واحد را الغاء کنید و بگویید ما شاهد اطراد تطبیق لفظ بر این فرد هستیم با قطع نظر از حیثیات، آن موقع علامت حقیقت است.
- . کفاية الأصول، ص ۲۰.

علائم تشخیص حقیقت از مجاز



علائم تشخیص حقیقت از مجاز

- ۵. اطراد به معنای شیوع صحت حمل
- ممکن است مقصود از اطراد تطبیق، اطراد صحت حمل باشد؛ چون صحت حمل دو گونه است: صحت حمل به حمل اولی که این علامت حقیقت است و دیگری صحت حمل به حمل شایع که صرفاً تعیین کننده مصداق است بدون اینکه قضاوتی نسبت به مفهوم داشته باشد.

علائم تشخیص حقیقت از مجاز

- اگر مقصود آنها که گفتند اطراد تطبیق، این معنا نباشد، می توانیم این را معنای پنجم اطراد به شمار آوریم.

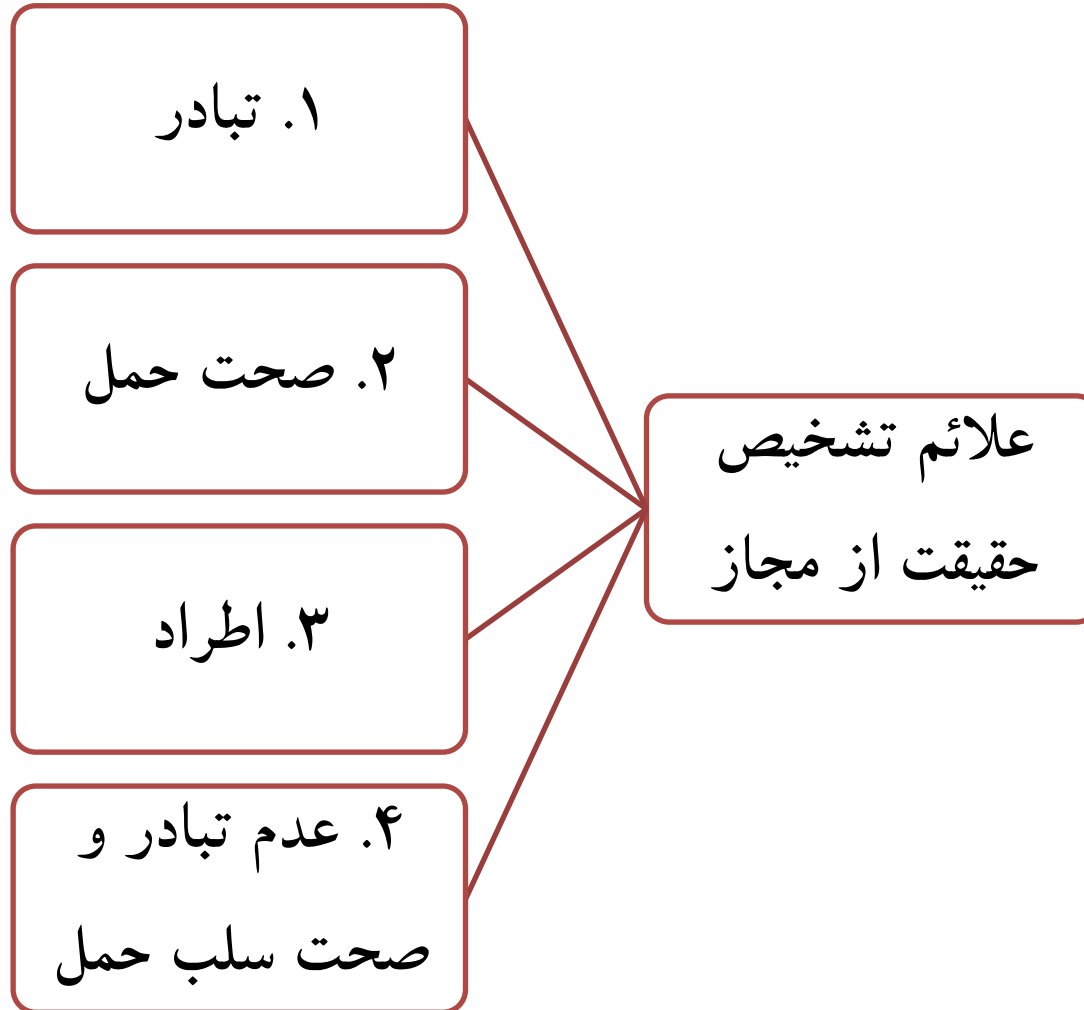
علائم تشخیص حقیقت از مجاز

- شیوع صحت حمل در واقع طریقی است برای احراز صحت حمل و خودش یک علامت مستقل نیست؛ مثل اطراد تبادر که طریقی برای احراز تبادر است و همان طور که اطراد تبادر مشکل احراز تبادر را حل می کند، اطراد صحت حمل هم مشکل احراز صحت حمل را برای ما حل می کند؛ یعنی وقتی به اهل لغت مراجعه می کنیم و مشاهده می کنیم که آن ها به صورت فراوان اذعان دارند که این لفظ بر این معنا قابل حمل است، تحقق صحت حمل را احراز می کنیم.

علائم تشخیص حقیقت از مجاز



علائم تشخیص حقیقت از مجاز



علائم تشخیص حقیقت از مجاز

- ۴. عدم تبادر و صحت سلب حمل
- در بحث علامات حقیقت و مجاز گفته‌اند که تبادر یک معنا از یک لفظ علامت حقیقت بودن آن معنا است و عدم تبادرش علامت مجاز بودن یا گفته‌اند صحت حمل علامت حقیقت و صحت سلب حمل علامت مجاز است.

علائم تشخیص حقیقت از مجاز

- در اینجا باید این نکته در نظر داشته باشیم که عدم تبادل یک معنا از لفظی یا صحت سلب یک معنا از لفظی اعم است از اینکه آن معنا معنای مجازی آن لفظ باشد یا اصلاً معنای آن لفظ نباشد و کاملاً بیگانه باشد.
- بنابراین برای اینکه بتوانیم اثبات کنیم که یک معنایی معنای مجازی است، صرف عدم تبادل یا صحت سلب کافی نیست.
- این دو فقط حقیقی بودن معنا را نفی می‌کنند؛ ولی مجازی بودن را اثبات نمی‌کنند.

علائم تشخیص حقیقت از مجاز

- برای اثبات مجازی بودن باید این نکته را ضمیمه کنیم که لفظ با این معنا ارتباط دارد و یک نحوه ظهوری در این معنا دارد؛ ولی در همان حال این معنا متبادر از آن لفظ نیست یا این معنا قابل سلب از آن لفظ است.
- از همین جا معلوم می‌شود این معنا معنای مجازی است؛ زیرا معنایی که نه حقیقی باشد و نه مجازی به کلی بیگانه با این لفظ است و هیچ ارتباطی با آن معنا ندارد.

علائم تشخیص حقیقت از مجاز

- اشکال مرحوم آقا ضیاء بر بحث علائم حقیقت و مجاز
- گفتیم یک راه برای احراز به وجدان شخصی خودش مراجعه کند و از طریق تبادل یا صحت حملی که برای خودش هست، موضوع له را از غیر موضوع له تشخیص بدهد؛ البته این در فرضی است که خودش اهل زبان باشد.

علائم تشخیص حقیقت از مجاز

- همچنین گفتیم می‌تواند با مراجعه به اهل زبان از طریق مراجعه به تبادر یا صحت حمل یا اطراد نزد آنها احراز کند که موضوع له چیست.
- مرحوم آقا ضیاء اشکال کردند که اصلاً تشخیص موضوع له هیچ نقشی در بحث‌های ما ندارد؛ زیرا در نظر ایشان معیار حجیت، ظهور است؛ چه این ظهور نتیجه استعمال حقیقی باشد و چه نتیجه استعمال مجازی.
- .العراقی، آقا ضیاء الدین، مقالات الأصول، ج ۱، ص ۱۱۴.

علائم تشخیص حقیقت از مجاز

- پاسخ شهید صدر رضوان الله علیه به مرحوم آقا ضیاء
- ایشان در پاسخ می‌فرمایند ظهوری که حجت است، ظهور نوعی (ظهور موضوعی) نه ظهور شخصی (ظهور ذاتی).
- اگر معیار ظهور ذاتی بود، سخن آقا ضیاء درست بود؛ اما گفتیم که این ظهور شخصی ذاتی حجت نیست و ظهور نوعی موضوع حجیت است.

علائم تشخیص حقیقت از مجاز

- بنابراین من باید احراز کنم که این ظهوری که برای من هست، برای دیگران هم وجود دارد؛
- به عبارت دیگر این طوری نیست که از این جمله فقط به ذهن من چنین معنایی بیاید، بلکه دیگران هم که اهل زبان هستند اگر این جمله را بشنوند، باید همین معنا به ذهنشان بیاید.

علائم تشخیص حقیقت از مجاز

- شهید صدر رضوان الله علیه می فرماید علائم حقیقت و مجاز برای همین موارد به کار می رود. وقتی که احراز کردیم لفظی برای معنایی وضع شده است، آن وقت ظهور این لفظ در آن معنا ظهور نوعی خواهد بود؛ چون موضوع له است و ظهور لفظ در موضوع له امر شخصی قائم به فرد نیست.

علائم تشخیص حقیقت از مجاز

- بنابراین ما از طریق علائم حقیقت، موضوع له را تشخیص می‌دهیم و از طریق تشخیص موضوع له نوعی بودن ظهور را احراز می‌کنیم تا موضوع حجیت ظهور را که ظهور نوعی است، احراز کنیم. بنابراین بحث علائم حقیقت بحث مفیدی است.

علائم تشخیص حقیقت از مجاز

- بحوث فی علم الأصول، ج ۱، ص ۱۷۱ - ۱۷۲.

علائم تشخیص حقیقت از مجاز

- نظر مختار در مسأله

علائم تشخیص حقیقت از مجاز

- قبلاً گفتیم یک راه برای احراز ظهور نوعی این است که ثابت کنیم این ظهور شخصی که برای من هست، قائم به شخص من نیست. وقتی از فرهنگ، اطلاعات، پیش‌داوری‌های من نشأت نگرفته است، در واقع آن حیثیت عمومی اهل زبان بودن شخص است که منشأ چنین ظهوری است. راه دوم این بود که به دیگران مراجعه کنم تا ببینیم این ظهوری که من دارم، دیگران هم دارند یا نه.

علائم تشخیص حقیقت از مجاز

- در جایی که ظهور را از طریق احراز شخصی وجدانی به دست می آورم، باید ظهور نوعی را احراز کنم و در این فرض که من فقط می خواهم به وجدان خودم مراجعه کنم، باید هر عاملی را که وابسته به من است و احتمال دارد در این ظهور دخالت کرده باشد، نفی کنم. یک راه برای این کار این است که احراز کنم این لفظ برای کدام معنا وضع شده است. در این صورت دیگر این اختصاص به من نخواهد داشت. من وضع را از طریق تبادل یا صحت حمل در نزد خودم احراز می کنم و با احراز وضع، احراز می کنم که ظهور این لفظ در این معنا وابسته به شخص من نیست.

علائم تشخیص حقیقت از مجاز

- در جایی که به دیگران مراجعه می‌کنم در واقع می‌خواهم احراز کنم که این ظهور، نوعی است. در اینجا تبادل یا صحت حمل در نزد اهل زبان را از طریق سخن آنها یا از طریق اطراد احراز می‌کنم و این احتمال را که این ظهور مربوط به این شخص خاص یا مربوط به این گروه خاص باشد، نفی می‌کنم.

علائم تشخیص حقیقت از مجاز

- نتیجه اینکه سخن شهید صدر رضوان الله علیه درست است؛ البته ظهور نوعی یا ظهور موضوعی منحصر در ظهور لفظ در معنای حقیقی نیست. باید توجه داشته باشیم که اگر ظهور لفظ در معنای مجازی هم نوعی باشد، حجت است؛ یعنی اگر یک معنای مجازی باشد که اهل زبان همان معنا را می‌فهمند و در آن زبان رایج است، ظهور لفظ در آن معنا هم ظهور نوعی است؛ مثلاً فرض کنید ظهور لفظ در زبان عربی به صورت عمومی در معنای شجاع ظهور داشته باشد؛ البته اگر استعمال کننده لفظ را استعمال کرد و قرینه‌ای برای تعیین مرادش نیاورد، أصالة الحقیقه، می‌گوید مرادش معنای حقیقی است.

علائم تشخیص حقیقت از مجاز

- بنابراین از نظر بحث اصولی این بحث ارزش ندارد که این معنای حقیقی است یا مجازی؛ چون مهم این است که این عبارت در چه معنایی ظهور دارد و این مباحث فقط جایی به کار می آید که فرد بخواهد بداند موضوع له لفظ چیست یا معنای مجازی چیست.